

ارزش آرای قضایی مبتنی بر داده‌های آزمایشگاهی نسبت به سایر ادله

امیر حمزه سالارزایی^۱

راضیه رعیتی حیدرآبادی^۲

رضا عبدی^۳

چکیده

مقدمه: در عصر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، داده‌های آزمایشگاهی به عنوان یکی از مصادیق مهم ادله علمی اثبات جرائم از زمره امارات قضایی به شمار می‌روند که در پرتو پیشرفت علم در سال‌های اخیر، افق‌های نوینی از کشف علمی و تجربی جرائم را به روی بشر گشوده است. این مقاله در پی پاسخ به این شبهه اساسی است که با عنایت به علمی‌بودن و با وجود کم‌ترین میزان خطای نتایج آزمایشات پزشکی قانونی و همچنین الزام ارجاع به کارشناس و تبعیت از نظرات کارشناسی در امور تخصصی و فنی، چرا در عمل بین قضات محترم التزامی به نظرات کارشناسان و پزشکان این دستگاه قانونی وجود ندارد؟ با عنایت به اهمیت موضوع و رفع این شبهه، مقاله پیش رو در پی تبیین ارزش آرای قضایی مبتنی بر داده‌های آزمایشگاهی نسبت به سایر ادله است.

روش: مدعای این نوشتار که از نوع توصیفی - تحلیلی است، کاشفیت نسبتاً تام آزمایش‌های پزشکی قانونی از واقع مجهول می‌باشد.

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان،

Email: Amir_hsalar@yahoo.com

ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

۳. دکتری پزشکی حرفه‌ای، مدیرکل پزشکی قانونی استان سیستان و بلوچستان، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۹

یافته‌ها: یافته مقاله این است که هرچند در عصر حاضر، داده‌های آزمایشگاهی به عنوان ادله نوین علمی در محاکم قضایی بسیار مهم و جدی تلقی می‌شود، لیکن عدم التزام قضات به عمل بر طبق این نظرات، نشان از تأثیرپذیری ایشان از اصول و قواعد فقهی و حدود اعتبار علم قاضی در جرائم می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌بایست در راستای علمی‌ترکردن سیستم پزشکی قانونی و دستگاه قضا، قوانین لازم در تعیین میزان ارزش‌گذاری رأی قاضی مبتنی بر این آزمایشات که بر اصول و موازین علمی و تخصصی استوار است را مصوب نمود، یعنی اصل بر حجیت نظر پزشکی قانونی به عنوان کارشناس خبره و موثق باشد، مگر خلاف آن برای قاضی توسط کارشناسان خبره‌تر اثبات شود.

واژگان کلیدی

علم قاضی، داده‌های آزمایشگاهی، رأی قضایی

مقدمه

ادله قضایی در امور مدنی با امور کیفری تفاوت مبنایی دارد. برخلاف امور مدنی که اساساً ادله موضوعیت دارد و سیستم اتهامی بیشتر حاکم است و با ابراز ادله و اثبات حق عمدتاً بر دوش اصحاب دعوی و وکلای آنها است، ادله در امور کیفری طریقت دارد. سیستم دادرسی بیشتر تفتیشی است و قاضی محترم برای رسیدن به حجت شرعی با مداخله در ارزیابی دلیلها و حصول اقناع وجدانی تلاش می‌کند.

منطق قضایی حکم می‌کند که حل مجهولات در عرصه زندگی اجتماعی همانند کشف مجهولات دقیق فلسفی نباشد، یعنی علم در عرصه زندگی اجتماعی، علم به معنای فلسفی و منطقی نیست که همراه علم به نفی نقیض آن فرض شده و هیچ‌گونه احتمال خلافی در آن نباشد و الا در اکثر موارد چنین علمی حاصل نشده و زندگی اجتماعی مردم مختل می‌شود. (موسوی، ۱۳۸۲ ش.) بر همین اساس برخی دانشمندان فقه و حقوق معتقدند در عالم حقوق باید مسائل را به کمک علم عادی درک کرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶ ش.) برخی حقوقدانان هم ظن نزدیک به علم را در نظام اثبات دعوا همچون یقین محسوب کرده و از آن تعبیر به ظن متأخم به علم می‌کنند و معتقدند سخت‌گیری در نپذیرفتن چنین ظنی، نظام اثباتی را مختل می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰ ش.)

به دیگر سخن علم به معنای دانستن و آگاهی انسان به ماهیت وقایع و پدیده‌های اطراف می‌باشد؛ در حقوق اسلام کلمه «علم» در معنای اصطلاحی دارای دو مفهوم است. به یک معنی مراد از علم، قطع و یقین است و هنگامی قطع و یقین حاصل می‌شود که وجود هر گونه شک، هرچند بسیار ضعیف در ایمان و اعتقاد شخص نسبت به عدم تحقق پدیده‌ای، منتفی باشد. (مدنی، ۱۳۸۵ ش.)

معنای علم در قلمرو قضاوت، علمی که در عرصه قضاوت کیفری از آن بحث می‌کنیم، سکون نفس و یا آرامش وجدان قاضی است. قاضی برای حصول این اطمینان نباید از هیچ دلیلی که او را به صدور حکمی عادلانه نزدیک‌تر می‌کند، غافل شود. یکی از این دلایل که در ایجاد قناعت وجدانی قاضی می‌تواند نقش داشته باشد، امارات است. یکی از این امارات، داده‌های پزشکی است (ظنون خاص یا دلایل علمی)؛ بر همین اساس برخی دانشندان علم فقه و اصول برای اثبات اعتبار این آزمایشات چنین استدلال کرده‌اند: «حجیت اماره‌هایی که اطمینان‌آور بوده و به گونه‌ای باشد که باعث سکون نفس شود، عقلایی است و از طرف شارع نیز منعی در مورد آن بیان نشده است.» (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ ق.) امروزه در دادگاه‌های کیفری، آزمایش‌های علمی (داده‌های آزمایشگاهی) به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق امارات قضایی پزشکی از دلایل شایع اثبات وقایع بوده و در تحقق عدالت و قضاوت عادلانه بسیار راه‌گشاست. این در حالی است که حسب نیازمندی به نظر کارشناسانه و علمی پزشکان سیستم پزشکی قانونی، آمار ارجاعات دستگاه قضایی به این سیستم قانونی در پرونده‌های جزائی بالا است. با این وجود، بررسی‌های به عمل آمده نشان‌دهنده آن است که در استناد قضاوت محترم به نظرات علمی و بسیار دقیق کارشناسان پزشکی قانونی چندان التزامی دیده نمی‌شود. از دیدگاه پزشکان دستگاه پزشکی قانونی، قضاوت محترم در میزان بهادادن به نظرات کارشناسانه و علمی سیستم پزشکی قانونی مختارانه و بنا بر صلاح‌دیدشان عمل می‌کنند (که البته قانون چنین اجازه‌ای را به آن‌ها می‌دهد) و عدم وجود قانونی محکم و متقن در این باره موجب شبهات بسیار زیادی برای دستگاه پزشکی قانونی شده است؛ از جمله این که چرا با وجود این که اولاً تبعیت از نظرات کارشناس در امور تخصصی بر طبق عرف عقلی الزامی است؛ ثانیاً تنها در

صورتی که نتیجه کارشناسی پزشکی قانونی با اوضاع و احوال معلوم در پرونده مطابق نباشد، دادگاه حق رد نظر کارشناسی را دارد (مفاد ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری)؛ ثالثاً نظر کارشناس لزوماً تنها با نظر خبره بالاتر و با کثرت بیشتر رد می‌شود، قضات محترم می‌توانند با صرف نظر از کارشناسی پزشکی قانونی، نظریه کارشناسانه آنان را نپذیرند؟ چرا با وجود آزمایشات پزشکی دقیق که با کم‌ترین میزان خطا همراه بوده و به عنوان یک ابزار و اماره مهم در احقاق حقوق طرفین دعوا محسوب می‌شود، دستگاه قضا در استناد به نظرات کارشناسان پزشکی قانونی که یکی از ضروریات نظام قضایی است و در امر کشف جرم به ویژه تحقیقات جنایی بیشترین کمک را به قضات محترم می‌نماید، مختارانه عمل می‌نمایند و در این خصوص الزام قانونی وجود ندارد؟ آیا می‌توان در فقه و شرع پاسخی قانع‌کننده بر این عدم الزام از سوی قضات یافت؟

در مقوله ارزش‌گذاری بر آرای قضایی مبتنی بر داده‌های آزمایشگاهی نسبت به سایر ادله، کتب و آثار تدوین‌شده‌ای وجود ندارد و تنها نوشته‌ها و مقالاتی از سوی حقوقدانان و پزشکان در راستای این موضوع وجود دارد. مقاله «بررسی میزان تأثیر اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در پرونده‌های کیفری مختومه دادگستری تهران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹، دکتر رعناهاشمی (متخصص پزشکی قانونی)» این نتیجه را در پی داشته است که در استفاده از نظرات کارشناسی پزشکی قانونی از سوی قضات وحدت رویه وجود ندارد. نتیجه مقاله‌ای دیگر با نام «اعتبار اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در اثبات جرم از منظر فقه امامیه، مصطفی اربابی مجاز» این است که با توجه به تمایز سیستم کیفری اسلام، نظرات کارشناسی پزشکی قانونی را به طور مطلق حجت نمی‌داند. حاصل مقالاتی همچون «اثبات نسب به وسیله آزمایشات ژنتیکی، محمد حسینی»، «اثبات

نسب به وسیله آزمایشات ژنتیکی»، «کاربرد DNA در اثبات جرائم، محمد آصف ظفری» و «نقش آزمایش‌های دی.ان.ای در اثبات نسب ازدیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران» این است که آزمایشات ژنتیک به عنوان یک دلیل مستقل در اثبات نسب بوده و در صورت اطمینان‌آوردن، بدون تفاوت در اثبات یا نفی مدعی معتبر خواهد بود و در صورتی که نتیجه آزمایشات ژنتیک مخالف با اماره فراش باشد، باید به نتایج آزمایشات ملتزم شویم، لیکن نتیجه مقالاتی همچون «بررسی حجیت آزمایش DNA در نفی نسب، اعظم پيله» این است که راه‌های نفی نسب را تنها محصور در ادله شرعی دانسته و آزمایش DNA را فاقد اعتبار می‌داند. با توجه به آنچه گفته شد ما در این نوشتار، برآنیم که با نگاهی فقهی، ارزش آرای قضات مبتنی بر داده‌های آزمایشگاهی را بررسی کنیم.

الف - موارد داده‌های آزمایشگاهی

به طور کلی آزمایشگاه‌های سازمان پزشکی قانونی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- آزمایشگاه آسیب‌شناسی (پاتولوژی)^۱

۲- آزمایشگاه سم‌شناسی

۳- آزمایشگاه سرم‌شناسی انسان (سرولوژی)^۲

۴- آزمایشگاه ژنتیک (DNA)^۳

۱- آزمایشگاه آسیب‌شناسی (پاتالوژی)

آسیب‌شناسی قانونی، یعنی شناسایی و تفسیر بیماری‌ها و آسیب‌های بدن انسان که اساس پزشکی قانونی است و در آن اعضای مختلف اجساد از نظر وجود بیماری‌های داخلی و یا عوارض ناشی از سموم و یا ضربه و... از نظر پاتولوژی مورد

بررسی قرار می‌گیرد. (دیمایو، ۱۳۸۸ ش.) تعیین علت و نحوه مرگ، تعیین زمان وقوع مرگ و ایجاد آسیب، مستند نمودن آسیب و جراحات، استنتاج در مورد نحوه ایجاد آسیب‌ها و جراحات، مستند نمودن وجود هر نوع بیماری طبیعی، تعیین یا رد هر عاملی که ممکن است منتهی به مرگ شده یا در مرگ مشارکت داشته است و... این همه نمونه‌هایی است از فعالیت‌هایی که در آزمایشگاه آسیب‌شناسی قانونی انجام می‌شود. (دیمایو، ۱۳۸۸ ش.)

۲- آزمایشگاه سم‌شناسی

سم‌شناسی قانونی به مطالعات و آزمایشاتی گفته می‌شود که به استفاده از سم‌شناسی در موارد مرتبط با قانون می‌پردازد. سم‌شناسی قانونی فقط شامل شناسایی و استخراج دارو، سم یا مواد شیمیایی از بافت‌های انسانی نیست، بلکه شامل تفسیر یافته‌ها و نتایج آزمایش نیز می‌شود. (دیمایو، ۱۳۸۸ ش.) در این آزمایشگاه، کلیه سموم و داروهای در دسترس از قبیل دفع آفات، سیانور، استرگنین، داروهای مختلف، منوکسیدکربن و الکل با امکانات موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.) سم‌شناسی قانونی اغلب با نمونه‌های بعد از مرگ سر و کار دارد، اما می‌تواند در موارد زنده مربوط به مسمومیت ناشی از داروی مخدر نیز استفاده شود. تست‌ها شامل تحقیقات مربوط به رانندگی تحت تأثیر الکل یا دارو و نیز تست موارد استفاده غیر مجاز ورزشکاران از داروها و موارد مشابه می‌شود. (بهشتی، ۱۳۹۰ ش.)

پس سم‌شناسی نیز یک اماره قضایی عینی و دقیقی است که علم به عاملیت، بلکه سببیت جرم را برای قاضی در حد اطمینان برای وی از طریق خیره و خبرگان محرز می‌کند. تخطی از داده واقعی این اماره اطمینان‌ساز، برای قاضی عذری باقی نمی‌گذارد، چون هیچ اماره قانونی دیگر که با این اماره معارض باشد،

نمی‌تواند به لحاظ درجه کاشفیت از واقعه مجهول مقاومت کند. بدیهی است که اگر یک طرف علم و اطمینان باشد، محال است طرف معارض آن هم اطمینان بخش باشد، مانند این‌که اگر یک اماره درجه کاشفیت آن بیش از ۹۰٪ است، طرف معارض آن علی‌القاعده کم‌تر از ۱۰٪ خواهد بود. از باب مثال در باب ادعای نسب مشکوک، یک طرف اماره فراش را به عنوان دلیل اقامه می‌کند و طرف دیگر همخوانی DNA را اقامه می‌کند؛ علی‌القاعده طرفی که برای اثبات نسب مورد ادعا از این اماره (همخوانی DNA) استفاده می‌کند، ادعای او به احتمال بسیار قوی به واقع نزدیک‌تر است تا اماره فراش که جنبه تعبدی صرف دارد.

۳- آزمایشگاه سرم‌شناسی انسان (سرولوژی)

سرولوژی به کلیه آزمایشات و مطالعاتی که بر روی سرم انسان و حیوانات خون گرم دیگر انجام می‌گیرد، اطلاق می‌شود. امروزه آزمایش‌های سرولوژی بالینی، یکی از روش‌های سریع و آسان در تشخیص بیماری‌ها می‌باشد.

بهره‌گیری از روش سرولوژی، تعیین گروه خونی در سیستم ABO که معمول‌ترین سیستم نمونه‌برداری از خون است، علی‌رغم قطعی بودن ژنوتیپ افراد در مقایسه آن‌ها از طریق تعیین توالی DNA ژنولیک و یا DNA متوکندری در آزمایشگاه‌های جنایی ادامه دارد. به هر حال آزمایش تعیین گروه خونی یک آزمایش سریع و ارزان است و نشان می‌دهد که اگر گروه خونی فرد مظنون و خون نمونه‌برداری شده از صحنه جرم با یکدیگر منطبق نباشد، انجام بررسی‌های بیشتر در این مورد بی‌فایده خواهد بود. (فخرز، ۱۳۸۹ ش).

۴- آزمایشگاه ژنتیک (DNA)

DNA از دو رشته مارپیچ تشکیل می‌شود که ساختار ژنتیکی انسان را تشکیل می‌دهد. این طرح‌ها یا نقشه‌های زیستی از طریق ژن‌ها از والدین به فرزندان

منتقل می‌شوند. DNA در تمام سلول‌های بدن وجود داشته و جزئی از ذات سلول به شمار می‌رود. DNA یک فرد در تمام سلول‌هایش مثل هم بوده و در طول زندگی تغییری نمی‌کند. به عنوان مثال DNA که در خون یک فرد وجود دارد با DNA موجود در بزاق وی یکی است. DNA در تمام بافت‌های بدن مانند خون، مو، بزاق، پوست، عرق، استخوان، مخاط بینی، منی و ترشحات واژن یافت می‌شود. بدن انسان بالغ بر یکصد تریلیون سلول تشکیل شده است. هر سلول دارای یک DNA هسته‌ای و صدها متوکندریال DNA است. DNA هسته‌ای از طریق والدین، نیمی از پدر و نیمی از مادر به فرزندان منتقل می‌شود، اما متوکندریال DNA تنها از طریق مادر به فرزند منتقل می‌شود. از این رو عاملی مهم در اثبات نسب مادری به شمار می‌رود. (صمدی، ۱۳۸۴ ش.)

بنابراین در صورت شناسایی و مطالعه قسمت‌های خاصی از مولکول DNA و ژن‌های موجود در آن و نظر به این‌که فرمول ژنتیکی و طرز قرارگرفتن اجزای تشکیل‌دهنده ژن‌ها در هر فرد از الگوی خاصی تبعیت می‌کنند، امکان شناخت هویت یک فرد با مطالعه ساختمان DNA او وجود خواهد داشت. همان‌گونه که اثر انگشت دست خاص هر فرد است، DNA هم خاص او خواهد بود. (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.) شگفت‌آورتر این‌که امروزه ثابت شده که بخش خاکستری مغز هر فرد انسانی مخصوص خود اوست و هرگز استنساخ حقیقی و عینی نخواهد داشت؛ این‌ها همه حاکی از قدرت لایتناهی خالق هستی است.

به صورت کلی روش‌های مختلفی در آنالیز DNA وجود دارد که با توجه به نیازهای امروزی و همچنین پیشرفت‌های پزشکی، از روش‌هایی در این حوزه استفاده می‌شود که بتوان در کم‌ترین زمان و با نازل‌ترین هزینه به نتایج مطلوب رسید. روش PCR^۴ روش بسیار دقیقی است که می‌توان با استفاده از مقادیر

بسیار کم DNA که از موها، ته سیگار، تمبر پستی و... باقی می‌ماند، تحلیل‌های لازم انجام و به نتیجه کافی منتهی می‌گردد. در روشی دیگر به نام STR^۵، سیزده منطقه معین از DNA مورد بررسی قرار می‌گیرد که می‌تواند در ایجاد پروفایل‌های لازم در سیستم بانک DNA مورد استفاده قرار گیرد یا در جای دیگر نمونه‌های بیولوژیکی قدیمی که فاقد مواد هسته‌ای سلولی هستند، مانند مو، استخوان و دندان با روش MTDNA^۶ قابل تحلیل‌اند. استفاده از این روش در پرونده‌هایی که برای سال‌ها لاینحل باقی مانده‌اند بسیار ارزشمند خواهد بود. روش Y کروموزوم نیز در زمانی که نیاز به اثبات نسب پدری باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد، چراکه کروموزوم Y مستقیماً از پدر به پسر منتقل می‌شود و با تحلیل آثار ژنتیکی کروموزوم Y می‌توان به این مهم پی برد؛ این روش حتی در مورد پرونده‌های مربوط به تجاوز جنسی که در آن بیش از یک متجاوز وجود دارد، می‌تواند مفید واقع شود. (صمدی، ۱۳۸۴ ش.)

بنابراین در پرونده‌های حقوقی حتی طبق اماره فراش، وقتی از یکسو نسب کسی مورد ادعا است و از سوی دیگر با ادعای یکی دیگر از وارثان مبنی بر فقدان نسب خونی یک شخص بر بهره‌مند شدن از ارث مورث مواجه هستیم، باز هم با احراز تغایر کروموزوم Y با مدعی اماره فراش نسبت به والد مورد ادعا، با اطمینان نزدیک و صددرصد می‌توان نفی نسب کرد و فرد مدعی میراث را محروم کرد، تا به ناحق از ترکه مورث برخوردار نشود.

علاوه بر مطالب گذشته و با عنایت به موارد اشاره‌شده در خصوص نحوه انجام آزمایش‌ها و دقت لازم برای دستیابی به نتیجه‌های مورد پذیرش در دستگاه قضایی و همچنین تفکیک علمی و تحقیقاتی این آزمایشات به چندین آزمایشگاه مجزا، می‌توان مدعی بود که دقت بودن و انجام با کم‌ترین خطا (در حد نزدیک به

صفر)، ویژگی متمایز تمام آزمایشات موجود در سیستم پزشکی قانونی است و می‌توان با اعتماد بر اساس آن رأی صادر کرد.

ب - منظور از علم قاضی

علم در لغت به معنای دانش و دانستن است، اما در اصطلاح فقهی به معنی چیزی است که موجب آرامش نفس در کشف مجهولی است که به دنبال معلوم شدن آن در مشاهدات خود هستیم. چنانکه در قدیمی‌ترین کتاب اصول فقه نسبتاً مفصل به همین معنی چنین ذکر شده است: «اعلم ان العلم ما اقتضی سکون النفس و هذه حاله معقوله یجدها الانسان من نفسه عند المشاهدات» (علم‌الهدی، ۱۳۶۳ ش.) و شاگرد نامدار مرحوم سیدمرتضی علم‌الهدی در کتاب «عده الاصول» علم را با همین مضمون تعریف می‌کند^۷، اما علمی در قضاوت کنونی معتبر و حجت تلقی می‌شود که از طرق و امارات معهود و به رسمیت شناخته شده آیین دادرسی برگرفته شده باشد؛ ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بیّن در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند رأی علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین علم خود را به طور صریح در رأی قید کند.

از نظر ما صرف قطع قاضی که بدون ضابطه و شاخص باشد، هرچند برای خود او ارزشمند است، لیکن در فرایند چندمرحله‌ای رسیدگی، باید در مراجع تجدید نظر، قابل کنترل و ارزیابی، معقول و متعارف باشد و گرنه ارزش اثباتی در دادنامه را ندارد.

از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که حضرت بر همین مبنا (نه علم شخص و نبوی خود) قضاوت می‌کرد آنچنان که مروی است: «انما افضی بینک بالبینات و

الایمان و بعضکم الحن بحجته من بعض؛ بدون شک من در میان شما بر اساس سوگند و بینه‌ها داوری می‌کنم، بعضی از شما در ارائه دلیل تواناترید»، (مجلسی، ۱۳۸۶ ق). پس منظور از علم قاضی نه هر علمی و از هر طریقی، بلکه علمی که مقدمات و مبادی آن از داده‌های به رسمیت شناخته شده در ادله اثبات دعوی است، می‌باشد، از جمله نظر به کارشناسی پزشکی قانونی چنانکه در تبصره ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده: مواردی از قبیل نظر به کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند، می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد و این تبصره به خوبی می‌رساند که علم شخصی مستند به ادله معتبر ارزش دارد. ارزش علم و قطع برای رأی قاضی از باب قطع موضوعی است، چنانکه در مبحث قطع رسائل در انواع قطع مذکور می‌باشد^۸، لذا در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی در همین خصوص چنین مقرر شده: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم باین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر رأی صادر می‌کند و چنانچه برای قاضی علم حاصل شود ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود»، البته از یاد نرود که علم قاضی ایستاده اعم از دادیار، بازپرس و دادستان برای قاضی دادگاه ارزش ذاتی ندارد و یک نوع اماره قضایی تلقی می‌شود.

ارزش آرای قضایی مبتنی بر داده‌های آزمایشگاهی نسبت به سایر ادله

ج - نفوذ علم قاضی از دیدگاه فقیهان امامیه

بعد از بررسی آثار مکتوب فقیهان قدیم و معاصر، به روشنی درمی‌یابیم که میان آنان چنین مشهور است که امام معصوم (ع) می‌تواند به استناد علم شخصی خود حکم کند، ولی نسبت به قاضی غیر معصوم اختلاف نظر است که بعد از جمع‌بندی در این باره به پنج قول و دیدگاه متفاوت برمی‌خوریم:

۱- برخی از بزرگان، همچون شیخ طوسی^۹ و شهید ثانی^{۱۰} قائل بر آن بوده‌اند که قاضی غیر معصوم نیز مانند امام معصوم در همه دعاوی و جرائم اعم از حق‌الله، چون شرب خمر و زنا و حق‌الناس نظیر قصاص و قذف می‌تواند به علم خویش قضاوت کند. نظر مشهور فقهای امامیه بر این قول است.

۲- مرحوم ابن جنید بر این عقیده بوده که قاضی مطلقاً نمی‌تواند مطابق علم خود قضاوت کند. سیدمرتضی علم‌الهدی قول او را تضعیف کرده و معتقد بود تنها مخالف اعتبار علم قاضی در شیعه ابن جنید است که نظر او هم پس از تحقق اجماع است.^{۱۱}

۳- برخی قدمای شیعه همچون سیدمرتضی علم‌الهدی (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ ق.) و محقق حلی^{۱۲} ضمن اشاره به دو قول، اصح اقوال را اعتبار در حقوق‌الله عنوان کرده‌اند و برخی از متأخرین (مانند طباطبائی، ۱۴۰۴ ق.؛ نجفی، ۱۳۶۷ ش.) در آن ادعای اجماع کرده‌اند. برخی دیگر قول به تفضیل بین حق‌الله و حق‌الناس را به ابن جنید نسبت داده‌اند، به این معنی که ایشان گفته است: «قاضی فقط در حق‌الله می‌تواند به استناد علم خویش حکم صادر کند نه در حق‌الناس».^{۱۳}

۴- نظر بعضی دیگر نیز تفصیل است، ولی عکس نظر پیشین: «قاضی می‌تواند به استناد به علم خود تنها در حق‌الناس داوری کند».^{۱۴}

۵- مرحوم شیخ طوسی در بعضی از آثارش بین حدود و غیر حدود فرق گذاشته است و در حدود قضاوت به علم شخصی را جایز نمی‌داند.^{۱۵}

با توجه به مبحثی که پیش از این درباره دیدگاه علمای شیعه بیان داشتیم، روشن است که اکثریت فقهای امامیه از قدما^{۱۶} و معاصرین^{۱۷} در اعتبار علم قاضی اتفاق نظر دارند و تنها در میزان نفوذ، موضوعات و شرایط آن اختلاف است. موافقان علم قاضی با استناد به آیات نساء: ۵۸، مائده: ۳۸، ۴۴، ۴۷ و روایات^{۱۸} و اجماع علما^{۱۹} علم قاضی را حجت می‌دانند. در مقابل موافقان حجیت علم قاضی، مخالفین نیز با دلایلی چون اصل عدم ولایت کسی بر دیگری است مگر با دلیل قطعی^{۲۰}، روایات متعدد^{۲۱}، سیره معصومان^{۲۲} و در معرض تهمت بودن دستگاه قضا^{۲۳} قائل بر عدم حجیت علم قاضی هستند، علیهذا در میان استدلال‌های این دو گروه مواردی وجود دارد که موجه به نظر نمی‌رسد.

از جمع‌بندی ادله صحیحی که از سوی موافقان و مخالفان ارائه شده است، چنین فهمیده می‌شود که برخلاف نظر مشهور فقهای امامیه که علم قاضی را به طور مطلق حجت می‌دانند، باید در حجیت علم قاضی بین جرائم حق‌اللهمی و حق‌الناسی تمایز قائل شد و باید گفت گرچه اموری به عنوان ادله اثبات دعوی ذکر شده و یک سری شرایطی هم از طریق شارع برای آن‌ها تعیین گشته است، ولی با وجود آن قاضی در امور کیفری مجبور نیست با فراهم آمدن صوری این ادله، حتماً به مقتضی آن حکم کند. او می‌تواند به شهادت، اقرار، قسم و... که به نحوی به فاسد بودن آن علم حاصل کرده است یا در صورت عدم حصول علم و یقین، ترتیب اثر ندهد. (گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶ ش.) همچنین صدور حکم از طرف قاضی بر اساس علم پیشین خود به واقعه کارساز نیست و ادله حجیت علم قاضی از این مورد قاصر است و نباید قاضی خود و دستگاه قضا را در موضع تهمت قرار دهد. سختگیری شارع مقدس در اثبات جرائم حق‌اللهمی به این صورت است که تا زمانی که تمام شرایط اجرای حد با هم و بدون وقفه زمانی

فراهم نباشد، حکمی اجرا نخواهد شد و از طرفی تا دلیلی روشن بر حجیت علم قاضی ارائه نگردد، اصل عدم ولایت کسی بر دیگری پا بر جاست. با توجه به قاعده «تدراً الحدود بالشبهات» همین شبهات کافی است بر این که علم قاضی در امور حق‌اللهی حجت نباشد چنانچه روایات متعددی نیز ما را به این مهم رهنمود می‌کنند. زمانی که معصومان (ع) از اقرار به گناه منع کرده و خواهان توبه مجرم می‌شدند، معلوم است برای ایشان اجرای حکم و حد شرعی اصل نبوده، بلکه اصل بر ستر گناه و جرم‌پوشی بزهکاران جامعه اسلامی بوده است، مگر در موردی که گریزی از آن نبوده و به سلامت جامعه آسیب می‌رسانده است، اما در حقوق‌الناس به دلیل عدم اغماض و چشم‌پوشی، چنانچه علم قاضی مستند به شواهد و قرائن قابل قبول باشد، حجت است و می‌توان بر اساس آن حکم و مجازاتی برای مجرم تعیین کرد. شاهد بر این مدعی قضاوت حضرت علی (ع) است که از هر قرینه و دلیلی که موجب علم به مجرمیت و اثبات حق می‌گردید، تمسک می‌جسته تا حتی از مردم ضایع نگردد. بنابراین در حقوق‌الناس قاضی باید از تمام طرق کارشناسی شده و متعارفی که او را به اجرای حکم عادلانه می‌رساند، استفاده کند. نظرات کارشناسی و کارشناسی پزشکی قانونی وسیله علم‌آور مناسبی برای قاضی است که در امور کیفی جایگاه مهمی داشته و دارای سابقه‌ای بس طولانی در فقه و حقوق اسلامی است.

د - نقش داده‌های آزمایشگاهی در تأمین علم قاضی

همان‌طور که بزهکاران روز به روز در ارتکاب جرائم، شیوه‌ها و شگردهای مدرن‌تری به کار می‌برند، دستگاه قضاوت و ضابطان آن نیز ناچارند برای مبارزه با آن‌ها، به تجهیزات پیشرفته‌تر و متناسب با شگردهای آن‌ها مجهز شوند و از فنون

علمی روز در صورت عدم مغایرت با موازین شرعی، استفاده کنند. شورای عالی قضایی نیز در طی بخشنامه شماره ۱/۵۶۳۱۳ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۶ به دادگاه‌های کیفری سراسر کشور ابلاغ نموده بود: «... هرچند در برخی از جرائم، طریق اثبات دعوا در قانون ذکر شده، لیکن چون این امر از باب طریقت و حصول علم برای قاضی است و قاضی برای حصول قطع و یقین از هیچ نوع تحقیقی که علم را تحصیل کند، منع نگردیده است، مقتضی است در رسیدگی‌ها، استفاده از طرق علمی کشف جرم را مورد غفلت قرار ندهند و از وسایلی که دانش بشری در این زمینه فراهم نموده است، استفاده نمایند.» (گلدوزیان، ۱۳۷۴ ش.)

منظور از ادله علمی در این بخشنامه، تجربیات علمی از قبیل ادله فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و ادله حاصل از مطالعات انسان‌شناسی، روانشناسی، جرم‌شناسی، علوم پزشکی، آزمایشگاهی و سایر دستاوردهای علوم و تکنولوژی‌های نوین بشر که در فرآیند جرم‌یابی، اثبات جرم و رسیدگی‌های کیفری مورد استفاده می‌گیرد، می‌باشد. (تدین، ۱۳۸۸ ش.)

داده‌های آزمایشگاهی به عنوان یکی از ادله مهم علمی، احتمال خلاف در آن به اندازه‌ای ضعیف است که نادیده گرفته می‌شود، به طور مثال وجود احتمال مشابهت و انطباق اثر انگشت ژنتیکی بین دو فرد که به میزان بسیار ضعیف که از طرف متخصصان بیان شده است. همچنین مشابهت اثر انگشت ژنتیکی میان دو قلوهای همسان، به هر حال عدم قطعیت تشخیص هویت ژنتیکی را اثبات می‌کند، اما این احتمال در دو فرد عادی به اندازه‌ای ضعیف است که از طرف اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان، اعم از ریاضیدان، حقوقدان و متخصصین علم ژنتیک نادیده گرفته شده است. (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ ق.)

می‌دانیم که خردمندان این احتمالات بسیار ضعیف را نادر و در حکم عدم، لحاظ کرده و عمل وفق چنین ظنی که درصد خلاف آن تقریباً منتفی است را عمل به غیر علم تلقی نمی‌کنند. ظن حاصل از آزمایشات با تمسک به همین سیره و بنای عقلا از جمله ظنون معتبر شمرده می‌شود، همچنان که در اثبات حجیت ظواهر الفاظ و یا اصول محرزه مانند استصحاب که درجه پایین‌تری از کشف واقعیت را دارند، مستند مطمئن رأی قضایی و فتوای مجتهد واقع می‌شود.^{۲۴}

بسیاری از فقها نیز در پاسخ به سؤالی در مورد اعتبار علم قاضی که از محتویات و قرائن موجود در پرونده یا نظریه پزشکی قانونی یا انگشت‌نگاری یا وجود عکس و فیلم از اشخاص در حین ارتکاب جرم یا نوار ضبط‌شده از مکالمات افراد یا استفاده از روش‌های نوین در کشف جرم ناشی شده باشد، بر حجیت علم قاضی در همه موارد و عدم فرق بین اسباب علم تأکید کرده‌اند.^{۲۵}

اعتبار ادله علمی اثبات جرم همچون کارشناسی پزشکی قانونی در پرتو علم قاضی، مقتضی آن است که حجیت علم قاضی مفروض گرفته شود و معتقدیم که بدون آن در عصر کنونی و زمان فعلی نمی‌توان با جرم و جنایات روزافزون مبارزه کرد و حقوق مردم را از مجرمان عمدتاً حرفه‌ای و آشنا به تکنیک روز و دستاوردهای علوم مختلف استیفا کرد، زیرا در سایه حجیت علم قاضی است که می‌توان از شیوه‌های جدید علوم جرم‌یابی و پلیس علمی و پزشکی قانونی استفاده کرد.

(میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵ ش.)

بنابراین در اعتبار استناد قاضی به شیوه‌های علمی همچون آزمایشات پزشکی که تا حد معتنا به دقیق و بی‌نقص بوده و یافته‌های آن با کم‌ترین میزان خطا مواجه است، در صورت وجود شرایط لازم و حصول یقین و یا علم عادی برای قاضی جای هیچ تردیدی نیست.

هـ - جایگاه داده‌های آزمایشگاهی در اثبات جرائم

ادله علمی نوین اثبات جرم از جمله ادله ناشی از آزمایشات پزشکی قانونی، در صورتی که منجر به علم عادی و یقین عرفی برای قاضی پرونده گردد، در پرتو علم قاضی که طبق نظر مشهور فقهای امامیه در حق‌الله و حق‌الناس حجت است، اعتبار دارد، لیکن با جمع‌بندی ادله صحیح موافقان و مخالفان حجیت علم قاضی در مباحث اولیه، به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت جرائم مستوجب حق‌الله با جرائم مستوجب حق‌الناس در احکام و آثاری که بر آنها بار است، اعتبار علم قاضی در جرائم حق‌اللهی که بنا بر پرده‌پوشی و با نگاه ستاربودن خداست، چندان کارآمدی نداشته، اما در خصوص حق‌الناس می‌تواند کارایی و اعتبار بالایی داشته باشد.

اسلام در حقوق‌الله اصل ستر و جرم‌پوشی و عدم مذاقه و مسامحه و تخفیف را در نظر دارد. توضیح بیشتر این‌که از توجه در آیات، روایات و متون فقهی چنین برداشت می‌شود که شارع مقدس در بیان حقوق‌الله و شرایط آن بنا را بر تخفیف نهاده و مکلفین را در شدت و حدت بسیار نهاده است. از سویی اوامر و نواهی او در آنجا که متضمن بیان حقوق‌الله است، بیانگر حساسیت شارع در حفظ و استقرار تعالیم و ارزش‌ها است، ولی از سوی دیگر در اجرای ضمانت اجراهای نقض این اوامر و نواهی تمام جوانب احتیاط را در نظر گرفته تا خون، حیثیت و آبروی انسانی از میان نرود. حقوق اسلام از آغاز با یک توازن و تعدیل منطقی بنا نهاده شد که ضمن حفظ واکنش‌های سرکوب‌گر در متون فقهی و قانونی، با تمسک به تأسیسات و گریزگاه‌های گوناگون از اجرای آن دوری گزیند. از این روش در نصوص روایی به نام قاعده درأ که در مقام کیفرزدایی است، یاد شده که

امکان ترک مجازات را با روی‌آوری به نوسازگاری و نیز اصلاح مجرم از طریق تدابیر غیر حقوق کیفری و حتی غیر حقوقی فراهم می‌آورد. (محمودی جانکی، ۱۳۷۶ ش.)

در روایات نشان می‌دهد که اسلام بر کیفر تأکید فراوان نداشته، خصوصاً آنجا که به حقوق‌الله مرتبط است، بلکه بر نقش اصلاح و تربیت و ستر گناهان تأکید ورزیده است. این دیدگاه موجب شده است که از طرفی به مجرد وقوع شبهه و تردید، حد را جاری نکنند و حتی اشخاص را از اقرار داوطلبانه باز دارند و از طرف دیگر به منظور اجرای مجازات، قوی‌ترین اسباب و دلایل را ضروری بدانند. وجود شرایط سخت و موانع فراوان در اجرای حد و کلاً حقوق‌الله همان‌گونه که بیان شد، نیازمند تأمل است. یکی از تدابیر سخت‌گیرانه اسلام در دوری‌گزیدن از اجرای حقوق‌الله از جمله حدود و تعزیراتی که جنبه حق الهی محض دارند، سخت‌گیری در مرحله اثبات جرم است. (محمودی جانکی، ۱۳۷۶ ش.)

هرچند در فقه امامیه از جمله در حدود، راه‌هایی به عنوان ادله اثبات دعوی همراه با یک سری شرایط از طرف شارع مقدس تعیین شده است، ولی این بدین معنا نیست که قاضی با فراهم‌آمدن این ادله هرچند به شکل صوری و بدون رعایت طرق تحصیلی آن مجبور باشد به مقتضای آن حکم کند، بلکه باید از صحت و درستی آن و قانونی‌بودن تحصیل آن مطمئن نیز باشد و علاوه بر آن به اقناع وجدانی رسیده باشد. (بصیرپور، ۱۳۸۴ ش.)

بنابراین قاضی در حقوق‌الله با توجه به اصل ستر و جرم‌پوشی مجاز به تفحص نبوده و عموم آیه نفی تجسس دلیل بر این مدعاست. همچنین ادله اثبات جرم در جرائم حق‌اللهی موضوعیت داشته، لذا در اثبات جرائمی چون زنا و شرب خمر نمی‌توان از نظرات کارشناسی پزشکی قانونی استفاده کرد، ولی این داده‌های

آزمایشگاهی می‌تواند وسیله‌ای برای ایجاد شبهه و رفع جرم باشد که با توجه به قاعده درأ، حدود با عروض شبهات رفع می‌شود، زیرا در حدود الهی بنا بر استتار و پرده‌پوشی و نیز تسامح و تخفیف می‌باشد نه مداخله، تدقیق و تفتیش علمی و آزمایشگاهی.^{۲۶} در تعارض قاعده فراش و امارات پزشکی چون قاعده فقهی فراش فی‌الجملة قطعی است، در هنگام شک به انتساب نسب شخص مشکوک به صاحب فراش باید فرزند را ملحق به صاحب فراش دانست و اقدام به کشف خلاف از طرق امارات دیگر ننمود.^{۲۷} بنابراین باید گفت از راه‌های علمی چون انجام آزمایشات پزشکی، می‌توان در بری کردن مجرم از مجازات استفاده و آن را مورد استناد قرار داد، یعنی برای جنبه سلبی از آن بهره گرفت، اما در حقوق‌الناس به دلیل عدم جریان اصولی چون جرم‌پوشی و عدم اغماض در رسیدگی‌ها، طریقت ادله اثبات دعوا را نشان می‌دهد؛ به این معنا که قاضی نمی‌بایست برای احقاق حقوق و اجرای عدالت از هیچ راه مشروع و منطقی و علمی چشم‌پوشی کند و اگر از تحقیق و تفحص به نتیجه‌ای نرسید با جریان اصولی چون برائت و احتیاط در دماء، در برائت مجرم تردید نکند. بنابراین در استناد قاضی به آزمایشات پزشکی در دعوی کیفری حقوق‌الناسی، جای ابهام و تردید وجود ندارد.

بررسی به عمل آمده حاکی از آن است که پرونده‌هایی که نظرات پزشکی قانونی در آن کاملاً پذیرفته شده، پرونده‌های مربوط به قتل و دیات بوده و پرونده‌هایی که این نظرات علمی اصلاً پذیرفته نشده یا استعلام نگردیده، مربوط به جرائم جنسی می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده تمایزی است که قضات محترم باتوجه به قوانین کیفری اسلام بین حق‌الله و حق‌الناس قائلند و مبنایی برای ارزش‌گذاری به اظهارات پزشکی قانونی و صدور رأی ایشان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در اعتبار استناد قاضی به شیوه‌های علمی همچون آزمایشات پزشکی که تا حد معتدبه دقیق و بی‌نقص بوده و یافته‌های آن با کم‌ترین میزان خطا مواجه است، در صورت وجود شرایط لازم و حصول یقین و یا علم عادی برای قاضی، جای هیچ تردیدی نیست، اما عدم الزام دستگاه قضا در عمل به این آزمایشات، نشان از برخورد مختارانه و سلیقه‌ای قضات محترم به این نظرات کارشناسانه نیست، بلکه ناشی از تأثیر گرفتن از اصول و قواعد فقهی در صدور و اجرای حکم مبتنی بر این آزمایشات است. شارع مقدس در احکام و قوانین حاکم بر جرائم حق‌اللهمی و حق‌الناسی تمایز قایل است، احکامی چون عدم چشم‌پوشی در جرائم حق‌الناسی و جرم‌پوشی در جرائم حق‌اللهمی که بنا بر اصل ستر و نفی تجسس است. قضات دستگاه قضا با در نظر گرفتن چنین اصولی به نظرات پزشکی قانونی بهاء می‌دهند، چراکه در جرائم حق‌الناسی از هر طریقی باید کمک جست تا اعاده حق کرد، اما در جرائم حق‌اللهمی به دلیل اهمیت عرض و آبروی افراد نزد شارع مقدس، نمی‌توان از داده‌های آزمایشگاهی در اثبات جرم علیه حیثیت افراد استفاده کرد، بلکه امارات قانونی معارض و تأییدشده به اصول عملی، مقدم بر امارات پزشکی می‌شود. به عبارت دیگر شایسته است نتیجه آزمایشات پزشکی در حقوق‌الله که حیثیت و آبروی انسان‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد و به ویژه با امارات شرعی و قانونی حافظ حیثیت و آبروی انسان‌ها در تعارض است، بر امارات شرعی (هرچند که درجه کاشفیت امارات پزشکی بسیار بالا هم باشد)، ترجیح داده نشود. به طور مثال در مورد تعارض اماره شرعی فراش با نتایج DNA، حق تقدم با اماره فراش می‌باشد تا بدین‌وسیله آبروی افراد در معرض خطر قرار نگیرد؛ این در حالی است که می‌توان از طرق علمی و استناد به داده‌های آزمایشگاهی و

پزشکی در براءت مجرمین کمک جست، زیرا در اسلام اصل بر براءت و احتیاط در دماء است.

بنابراین در جرائم حق‌اللہی داده‌های آزمایشگاهی حتی در صورتی که موجب علم قاضی شود، به دلیل وجود قواعد حاکم در سیستم کیفری اسلام در صورت تعارض با امارات قانونی و شرعی، مانند اماره فراش معارض با داده‌های آزمایشگاهی نمی‌توان بر طبق آن حکم صادر کرد و تنها باید بر اساس ادله محصوره موجود در شرع عمل کرد، اما داده‌های آزمایشگاهی در امور کیفری حق‌الناسی چون قتل عمد، به دلیل این‌که با تکنولوژی‌های جدید پزشکی نزدیک به خطای صفر است، حتی بر بینه و اقرار معارض هم مقدم می‌باشد، چون این‌ها اماره محسوب شده و مفید ظن نوعی است، اما داده‌های متقن طبی و ژنتیکی علم محسوب می‌گردد و بدیهی است که ترجیح مرجوح (ظن) بر راجح (علم) قبیح است.

پی‌نوشت‌ها

1. Pathology
 2. Serology
 3. Deoxyribo Nucleic Acid
 4. Polymerase Chain Reaction
 5. Suspend to Ram
 6. Mitochondrial DNA
۷. ن.ک.: طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۴۱۷ ق.). *العهده فی اصول الفقه*. قم: مطبعه ستاره، ص ۱۲.
 ۸. ن.ک.: انصاری، شیخ مرتضی. (۱۳۸۲ ش.). *فرائد الاصول*. قم: اسماعیلیان، ص ۳۰.
 ۹. ر.ک.: شیخ طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۴۱۷ ق.). *الخلاف فی الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۲.
 ۱۰. ر.ک.: جبعی عاملی، زین‌الدین. (۱۳۹۹ ق.). *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*. قم: بصیرتی، ص ۳۸۴.
 ۱۱. ر.ک.: علم‌الهدی، سیدمرتضی. (۱۴۱۵ ق.). *الانتصار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، صص ۴۹۲-۴۸۸.
 ۱۲. ر.ک.: محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: اسماعیلیان، ص ۸۶۶.
 ۱۳. ر.ک.: جبعی عاملی، زین‌الدین. (۱۳۹۹ ق.). *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*. قم: بصیرتی، ص ۳۸۴.
 ۱۴. ر.ک.: شیخ طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۴۰۸ ق.). *الوسيله الی نیل الفضیله*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ص ۴.
 ۱۵. ر.ک.: شیخ طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۳۸۸ ش.). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیای التراث، ص ۱۲.
 ۱۶. ر.ک.: شیخ طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۴۱۷ ق.). *الخلاف فی الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۴۲؛ علم‌الهدی، سیدمرتضی. (۱۴۱۵ ق.). *الانتصار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ص ۴۸۶.
 ۱۷. ر.ک.: انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ ق.). *القضاء و الشهاده*. قم: مؤسسه الهادی، ص ۹۱؛ گلپایگانی، محمدرضا. (بی‌تا). *کتاب القضاء*. قم: دارالقرآن کریم، ص ۱۶۰.
 ۱۸. ر.ک.: حر عاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۱ ق.). *وسائل الشیعه*. تهران: اسلامیه، ص ۱۱؛ کلینی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *اصوال الکافی*. تهران: علمیه الاسلامیه، ص ۳۶.
 ۱۹. ر.ک.: نراقی، مولی احمد. (۱۴۱۹ ق.). *مستند الشیعه فی احکام شریعه*. مشهد: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ص ۸۹؛ نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷ ش.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: دارالکتاب اسلامیه، ص ۸۸؛ طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۷۸ ش.). *العروة الوثقی*. تهران: مطبعه الحیدریه، ص ۳۱.

۲۰. ر.ک.: نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷ ش.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: دارالکتاب اسلامی، ص ۸۹.
۲۱. ر.ک.: حر عاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۱ ق.). *وسائل الشیعه*. تهران: اسلامی، ص ۱۶۹.
۲۲. ر.ک.: خامنه‌ای، سیدمحمد. (۱۳۸۲ ش.). *علم قاضی*. تهران: تک، ص ۶۱.
۲۳. ر.ک.: مهرپور، حسین. (۱۳۷۳ ش.). *سرگذشت تعزیرات. مجله کانون وکلای دادگستری*. شماره صد و چهل و هشت و صد چهل و نهم، ص ۵۰.
۲۴. برای توضیح بیشتر ر.ک.: به انصاری، شیخمرتضی. (۱۳۸۲ ش.). *فرائد الاصول*. قم: اسماعیلیان، صص ۵۲-۶۶؛ مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۴ ش.). *اصول الفقه*. قم: اسماعیلیان، ص ۱۴۲؛ فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۳۷۳ ش.). *ایضاح الکفایه*. قم: دارالکتاب، ص ۲۰۳.
۲۵. ر.ک.: مجموعه گنجینه آرای فقهی - قضایی در امور کیفری، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. ن.ک.: محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۰ ش.). *قواعد فقه، بخش جزایی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۵۹.
۲۷. ن.ک.: مصطفوی، محمدکاظم. (۱۴۳۱ ق.). *القواعد، مأه قاعده فقهیه*. قم: مؤسسه نشر جامعه مدرسین، ص ۱۸۵.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- بصیرپور بیرق، قدیر. (۱۳۸۴ ش.). *اعتبار راه‌های علمی اثبات جرم از منظر فقه جزایی*. قم: دانشگاه مفید، ص ۱۲۴.
- تدین، عباس. (۱۳۸۸ ش.). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*. تهران: نشر میزان، ص ۳۷۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۵۸ ش.). *حقوق اسلام*. تهران: گنج دانش، ص ۱۳۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۶ ش.). *دانشنامه حقوقی*. تهران: امیرکبیر، پنج جلدی، جلد اول، صص ۶۵۹-۶۶۲.
- خامنه‌ای، سیدمحمد. (۱۳۸۲ ش.). *علم قاضی*. تهران: تک، ص ۶۱.

- دیمايو، وینسنت جی. دیمايو، دومینیک. (۱۳۸۸ ش.). *آسیب‌شناسی قانونی*. مترجم محمدحسن عابدی خوراسگانی، تهران: سرای دانش، ص ۵۰۷.
- دیانی، عبدالرسول. (۱۳۸۵ ش.). *ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی*. تهران: تدریس، ص ۶۶.
- صمدی، سعید. (۱۳۸۴ ش.). *ظهور دی.ان.ای تحولی شگرف در سیستم قضایی دنیا. ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح*. شماره ۴۹، صص ۴۹-۵۰.
- فخرز، میررحیم. (۱۳۸۹ ش.). *کاربرد بیولوژی در علوم جنایی*. تهران: معاونت آموزش و تربیت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۷.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰ ش.). *اثبات و دلیل اثبات*. تهران: میزان، دو جلدی، جلد دوم، صص ۱۷۱-۱۴۶.
- گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی. (۱۳۸۶ ش.). *ادله اثبات دعوی کیفری*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۸۳.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۷۴ ش.). *حقوق کیفری تطبیقی*. تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۱۴۱.
- گودرزی، فرامرز. کیانی، مهرزاد. (۱۳۸۶ ش.). *پزشکی قانونی*. تهران: نشر سمت، صص ۳۵۰-۱۲۷.
- بهشتی، علی. (۱۳۹۰ ش.). *تست‌های پزشکی قانونی. ماهنامه مهندسی پزشکی و تجهیزات آزمایشگاهی*. شماره صد و بیست و چهارم، ص ۶۸.
- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه. (۱۳۸۲ ش.). *مجموعه گنجینه آرای فقهی - قضایی در امور کیفری*. قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، صص ۱۰-۹.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۰ ش.). *قواعد فقه، بخش جزایی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۵۹.
- محمودی جانکی، فیروز. (۱۳۷۶ ش.). *طریقت یا موضوعیت ادله اثبات دعوی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۱۶۴-۱۶۳.
- مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۸۵ ش.). *ادله اثبات دعوی*. تهران: نشر پایدار، ص ۲۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۶ ق.). *انوار الاصول*. مترجم احمد قدسی. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب، سه جلدی، جلد دوم، ص ۲۳۰.
- موسوی، سیدمحمدصادق. (۱۳۸۲ ش.). *ساز و کار گذر از استقراء به نظریه در مسأله معذوریت جاهل*. تهران: رهنمون، ص ۲۷.

مهرپور، حسین. (۱۳۷۳ ش.). سرگذشت تعزیرات. مجله کانون وکلای دادگستری. شماره صد و چهل و هشت و صد و چهل و نهم، ص ۵۰.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۵ ش.). جرائم علیه اموال و مالکیت. تهران: میزان، ص ۲۸۴.

منابع عربی:

قرآن کریم.

انصاری، شیخ مرتضی. (۱۳۸۲ ش.). فرائد الاصول. قم: اسماعیلیان، چهار جلدی، جلد اول، صص ۳۰-۵۲-۶۶.

انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ ق.). القضاء و الشهاده. قم: مؤسسه الهادی، ص ۹۱.

جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی). (۱۳۹۹ ق.). مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام. قم: بصیرتی، پانزده جلدی، جلد دوم: ص ۱۱؛ جلد سیزدهم: ص ۳۸۴.

حر عاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۱ ق.). وسائل الشیعه. تهران: اسلامیه، سی جلدی، جلد هجدهم، صص ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰.

طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۷۸ ق.). العروة الوثقی. تهران: مطبعه الحیدریه، پانزده جلدی، جلد سوم، ص ۳۱.

طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۴۱۷ ق.). العده فی اصول الفقه. مترجم محمدرضا انصاری قمی، قم: مطبعه ستاره، دو جلدی، جلد اول، ص ۱۲.

طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۴۱۷ ق.). الخلاف فی الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، شش جلدی، جلد ششم، صص ۲۴، ۲۴۲.

طوسی، ابوجعفر محمدحسن. (۱۳۸۸ ش.). المبسوط فی الفقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیای التراث، نه جلدی، جلد هشتم، ص ۱۲.

طوسی، محمدبن علی بن حمزه. (۱۴۰۸ ق.). الوسيله الی نیل الفضیله. قم: کتابخانه آیت‌ا... مرعشی، ص ۴.

علم‌الهدی، سیدمرتضی. (۱۴۱۵ ق.). الانتصار. قم: مؤسسه نشر اسلامی، صص ۴۹۴-۴۸۶.

فاضل موحدی لنگرانی، محمد. (۱۳۷۳ ش.). ایضاح الکفایه. درس‌های متن کفایه الاصول به قلم محمدحسین قم. قم: دارالکتاب، شش جلدی، جلد ششم، ص ۲۰۳.

- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *اصول الکافی*. تهران: انتشارات علمیه الاسلامیه، چهار جلدی، جلد اول: ص ۳۶؛ جلد هفتم: ص ۴۰۲.
- محسنی قندهاری، محمدآصف. (۱۴۲۴ ق.). *الفقه و المسائل الطیبیه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص ۲۸-۴۱.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: اسماعیلیان، چهار جلدی، جلد چهارم، ص ۸۶۶.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶ ق.). *بحار الانوار*. قم: دارالمکتب الاسلامیه، یکصد و ده جلدی، جلد بیست و ششم، صص ۱۰۹، ۱۱۷.
- مصطفوی، محمدکاظم. (۱۴۳۱ ق.). *القواعد، مأه قاعده فقهیه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ص ۱۸۵.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۴ ش.). *اصول الفقه*. قم: اسماعیلیان، سه جلدی، جلد سوم، ص ۱۴۲.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷ ش.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهل و چهار جلدی، جلد چهارم، صص ۸۸-۹۰.
- نراقی، مولی احمد. (۱۴۱۹ ق.). *مستند الشیعه فی احکام شریعه*. مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، بیست جلدی، جلد هفدهم، صص ۸۹-۹۰.

یادداشت شناسه مؤلفان

- امیر حمزه سالارزایی: دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران. (نویسنده مسؤول)
پست الکترونیک: Amir_hsalar@yahoo.com
- راضیه رعیتی حیدرآبادی: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.
- رضا عبدی: دکتری پزشکی حرفه‌ای، مدیرکل پزشکی قانونی استان سیستان و بلوچستان، ایران.

Value of Enforceable Judgment Based on Laboratory Data to other Reasons

Amirhamze Salarzaee

Razie Rayati

Reza Abdi

Abstract

Background: In the age of information and communication technology laboratory data as one of the important indicators of scientific evidence proving the crimes are among Justice Statistics That in the light of progress in medical science in recent years new horizons of scientific discovery has opened crimes to humanity. This article attempts to answer this question is essential with regard to scientific and despite the lowest error rate results of a forensic examination and that in matters of technical and specialized referral to experts and compliance expertise is required , why in practice the views of experts and Forensic and medical evidence will be neglected by Judges? So, this article seeks to explain the value of judicial decisions is based on experimental data than other evidence.

Methods: Argument of this paper is descriptive and analytical, Forensic tests determine the unknown criminal status.

Results: This article as a result has proved that although in the present age, experimental data as new scientific evidence in court is very important and taken seriously but the lack of obligation for judges to act in accordance with these views, show them the jurisprudential principles of effectiveness and about the validity of the judge in crime.

Conclusion: So should aim more scientific forensic system and the judiciary the necessary legislation judgment of the judge in determining the valuation is based on the scientific and technical experiments the principles and standards adopted, the principle of legal medical authority as experts and more authentic unless otherwise proven by certified experts to judge.

Keywords

Knowledge of the Judge, Laboratory Data, Judicial Decisions